

دانلد ای. وست لیک

تَبَر

ترجمه‌ی
محمد حیاتی



انتشارات نیلوفر



www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

www.danbook.com

یادداشت مترجم

دانلد ادوین وست لیک (۲۰۰۸-۱۹۳۳) نویسنده‌ی امریکایی، در طی شش دهه نگارش، آثار زیادی از خود به جا گذاشت. او بیش از صد رمان علمی تخیلی، جنایی، کمیک و همین‌طور آثار غیرداستانی نوشته و از شهرت و محبوبیت زیادی بین کتاب‌خوان‌ها برخوردار است. کتاب‌هایش را با اسامی مستعار مختلفی، از جمله ریچارد استارک، چاپ می‌کرد. یکی از شخصیت‌های مشهور رمان‌های وست لیک، پارکر نام دارد که دست‌مایه‌ی ساخت فیلم‌های بسیاری شده.

د. کیت مانو، رمان‌نویس امریکایی، برک دوور (شخصیت اصلی رمان تبر) را نمونه‌ی مرد (یا انسان) امریکایی هزاره می‌داند و او را در کنار جورج اف. بیت^۱، هولدن کالفیلد^۲ و کاپیتان جان یوساریان^۳، که هر کدام نمایانگر دوران خود بودند، قرار می‌دهد. می‌گوید: «وست لیک رمان درجه یکی نوشته. اگر نمی‌توانید با آن ارتباط برقرار کنید، بروید خدایتان

۱. شخصیت اصلی رمان بیت نوشته‌ی سینکلیر لوئیس.

۲. شخصیت اصلی رمان ناتور دشت نوشته‌ی جی. دی. سلینجر.

۳. شخصیت اصلی رمان تبصره‌ی ۲۲ نوشته‌ی جوزف هلر.

را شاکر باشید.» نام شخصیت اصلی رمان تبر، دیور (Devore)، یادآور کلمه‌ی انگلیسی Devour به معنی بلعیدن و نابودکردن است. مایکل واین‌رب، نویسنده و روزنامه‌نگار امریکایی، در مقاله‌ی «زندگی‌های بسیار دانلد وست لیک» می‌نویسد: «تنها باری بود که آبی [آخرین همسر وست لیک] می‌دید وست لیک در طول نوشتن رمانی این قدر کج خلق و عبوس شده باشد... رمان را در سه هفته به پایان رساند. بعضی‌ها می‌گویند بهترین کتاب اوست.» وی معتقد است که تارانتینو هنگام ساختن «سگ‌های انباری» گوشه‌چشمی به رمان‌های پارکر داشته است. واین‌رب همچنین به تأثیرپذیری نویسنده‌هایی همچون المور لئونارد، جورج پلکانوس، دنیس له‌هین و استیفن کینگ از وست لیک اشاره می‌کند.

ویلیام کریستول مرگ و خنده را دو مضمون آثار وست لیک می‌داند، «به‌خصوص در تریلرهای نوآر او (که به اسم مستعار ریچارد استارک چاپ شده‌اند)». در فصل جوایز نوبل ۲۰۰۶، لس‌آنجلس تایمز از کریستول می‌خواهد نامزد خود را پیشنهاد کند. کریستول، وست لیک را پیشنهاد می‌کند: «دانلد وست لیک، نویسنده‌ی امریکایی آثار کمیک-جنایی باید جایزه‌ی نوبل را ببرد. دیگر بس است ستایش از وقایع‌نویسان عصاقورت‌داده و وحشت‌زده و شبه‌ژرفاندیش وضعیت بشر. وست لیک زرنگ و باهوش و بامزه است - نویسنده‌ای پُرکار - و خیلی هم ژرفاندیش. ولی مگر داوران نوبل شوخ‌طبعی هم سرشان می‌شود؟ فکر نکنم.»

جان بنویل، رمان‌نویس مشهور و صاحب سبک ایرلندی، در جایی گفته است: «دو تن از بهترین نویسنده‌های قرن بیستم ژرژ سیمنون -

رمان‌های مگره مد نظرم نیست، نخوانده‌ام‌شان، به رمان‌های برف کثیف و ماه‌زده فکر می‌کنم - و ریچارد استارک هستند که اسم واقعی‌اش دانلد وست لیک است، اگر اصلاً چیزی به نام اسم واقعی وجود داشته باشد.» نام رمان حاضر در انگلیسی «The Ax» است که در فارسی می‌توان به تبر، اخراج، تعدیل نیرو و کاهش پرسنل و هزینه‌ها هم ترجمه کرد. ایهام عنوان اصلی در فارسی قابل برگردان نیست.

کوستا گاوراس، فیلمساز یونانی-فرانسوی، در سال ۲۰۰۵ براساس این رمان، فیلمی ساخت با عنوان فرانسوی Le Couperet. این نخستین بار است که اثری از دانلد وست لیک به فارسی ترجمه می‌شود.

راستش تا به حال آدم نکشته‌ام، مرتکب قتل نشده‌ام، جان کسی را نگرفته‌ام. عجیب این‌که، یک جورهایی، به خودم می‌گویم کاش درباره‌ی این موضوع با پدرم حرف می‌زدم، چون او تجربه‌اش را داشت، چیزی که توی دنیای تجارت به‌ش می‌گویم سابقه در حوزه‌ی تخصصی؛ توی جنگ جهانی دوم سرباز پیاده‌نظام بوده، موقع پیش‌روی نهایی از فرانسه به داخل آلمان بین سال‌های ۴۵-۱۹۴۴ «نبرد» را با چشم‌های خودش دیده، به آدم‌هایی با لباس‌های پشمی خاکستری تیره تیراندازی کرده و قطعاً زخمی و لت‌وپارشان هم کرده و به احتمال قریب به یقین زده چند تایی‌شان را هم کشته، و به پشت سر که نگاه می‌کرده عذاب وجدان به خودش راه نمی‌داده. آدم از کجا بفهمد بعداً از پس کاری برمی‌آید یا نه؟ مسئله این است.

ولی به هر حال، نمی‌توانستم از پدرم بیرسم یا مسئله را باهاش مطرح کنم، حتا اگر زنده بود، که نیست، سیگار و سرطان توی شصت و سه سالگی مثل خوره افتادند به جان‌ش و با همان قاطعیت شلیک ولی نه با آن تأثیر سریع و آنی، جوری از پا درش آوردند انگار دشمنی دوردست بود با لباس پشمی خاکستری تیره.

مسئله، در هر صورت، جواب خودش را پیدا می‌کند، مگر نه؟ منظورم این است که گره اصلی همین جاست، یا از پسرش برمی‌آیم یا نه. اگر نه، پس این